



## نقد و تجزیه و تحلیل عکس

موضوع: نقد کتاب

استاد: دکتر محمد خدادادی مترجم زاده

دانشجو: ندا افندی زاده زرگر ۹۹۱۲۳۳۵۱۰۱

نیمسال دوم سال تحصیلی ۱۳۹۹-۱۴۰۰

مریم زنگی گیسوانم در یاد



## «گیسوانم در باد»

بی‌آنکه نوع کتاب و مولف آن توجه‌ام را جلب کند، نام و عکس روی جلدش، این دیدگاه را در من ایجاد کرد که کتاب، هر چه هست، در مورد یک زن سخن می‌گوید. بعد از خواندن نام مولف، یعنی مریم زندی، متوجه شدم با یک کتاب عکس سر و کار دارم. کتابی در قطع رقعی، با جلد نرم، در ۱۴۴ صفحه، شامل ۶۰ قطعه عکس سیاه و سفید در کاغذهای گلاسه از مریم زندی، که نشر نظر در سال ۱۳۹۷ چاپ کرده است.

پس از تورق چند صفحه‌ی نخست از کتاب، با یادداشتی سه صفحه‌ای از عکاس مواجه می‌شوم. این یادداشت با این عبارت آغاز می‌شود «این عکس‌ها، سیاه‌مشق‌های من است در روزهای دور، تلاش و تجربه‌های من است در شروع عکاسی...». همین جمله داستان کتاب را فاش می‌کند. مجموعه‌ای از تجربه‌های اولیه‌ی مریم جوان، زمانی که به گفته‌ی خود او، هنوز نمی‌دانست عکس خوب چیست. او با برانگیختن یک حس نوستالژی، خود و مخاطبش را به دورانی سبز، شاد و پر امید می‌کشاند.

کتاب را می‌توان به دو بخش عکس‌های کارگران مهاجر زابلی در روستای شیرنگ و عکس‌هایی از ترکمن‌های ایران در اطراف گرگان تقسیم کرد. سوژه‌ی بسیاری از عکس‌ها، زنان و دخترانی هستند که تنها یا گروهی و یا با فرزندان‌شان، گاه با غافلگیری و نگاهی خیره به دوربین و گاه با لبخندی از روی شرم، تصویر شده‌اند. عکس‌های بخش ترکمن پر از نشانه‌های فرهنگی و اصیل این قوم و صحرای ترکمن است. علاوه بر حالت چشمان و صورت سوژه‌ها، که اولین نشانه‌ی بارز آنان است، لباس‌ها، کلاه‌های مردان، روسری‌های پرنقش و نگار زنان که رنگ‌شان حتی از پشت نقاب سیاه و سفید تصاویر قابل لمس است، زیورآلات منحصر به فردشان و قالیچه‌های ترکمن که رج به رج از زحمت و سرسختی زنان ترکمن جان می‌گیرند، همه، نشان از اصالت و سنتی ریشه‌دار دارند.

این مجموعه با زبان تصویر، ما را با روزگار و زندگی روزمره‌ی یک قوم همراه می‌کند و واقع‌گرایی محض این تصاویر من را به یاد بسیاری از تصاویر واکر اوانز<sup>۱</sup> می‌اندازد که از امور و وجوه عادی زندگی تهیه شده‌اند و اعتبار ویژه‌ای گرفته‌اند. اعتباری که منشأ آن، ارتباط خاص هر مخاطبی با این نوع عکس، صرفاً از جهت عادی بودنش است. همانگونه که جان سارکوفسکی<sup>۲</sup> نیز معتقد است، تصاویر جاودانه از دریچه‌ی زندگی روزمره تهیه شده‌اند.

نکته‌ی بارز دیگر در عکس‌ها، تضادهای موجود در برخی از آنها است که با تورق کتاب، بیشتر و بیشتر به چشم می‌آیند. تضادهایی که اگرچه از اعتبار و اصالت قوم شناسانه‌ی عکس‌ها می‌کاهند ولی آنها نیز بخشی از واقعیت‌های انکارناپذیری هستند که در اثر به اصطلاح مدرن شدن روزگار و جامعه، به وجود آمده‌اند و خواه ناخواه، شمایل کلی فرهنگ صحرا را نیز، تغییر داده‌اند. نشانه‌های این تمایزها کلاه‌فرنگی‌هایی است که بر سر مردان ترکمن جای گرفته‌اند، موتورهایی است که به جای اسب‌های اصیل ترکمن، در کنار چادرها و خانه‌های آجری که خود آنها چون تافته‌ای جدابافته در کنار اقامتگاه اصیل ترکمنان نمایان هستند، ماندگار شده‌اند. هر چند تفاوت‌ها و تضادهای فرهنگی و اجتماعی موجود بین این قوم و جامعه، درون عکس‌ها به خوبی مطرح است اما جزئیات و ویژگی‌های مختص قومی و بومی آنقدر در عکس‌ها زیاد است که مجال چندانی برای نمایش تضادها باقی نمی‌ماند.

نگاه مستقیم سوژه‌ها به دوربین در بسیاری از عکس‌ها، مانع از گسستن رشته‌ی ارتباط بین مخاطب و تصاویر می‌شود و با هر عکس، مخاطب را به هم‌زیستی با آن فرا می‌خواند تا داستان تا انتها خوانده شود؛ داستانی که گاه در چین و چروک و وسعت وقار پیرمردان و پیرزنان مخفی شده و گاه در نگاه‌های بی‌محابای جوانان.

این عکس‌ها، اگرچه تمام واقعیت‌ها را ثبت نکرده‌اند، که خود عکاس نیز بر آن معترف است، ولی می‌توان گفت همین عکس‌ها شاهد مصور لحظه‌ها و روزگار ترکمنانی هستند که دوربین مریم زندی حیاتی جاودانه بر آنها بخشیده است؛ دوربینی که متعلق به دورانی است که روزهای مریم خوب بودند و گیسوانش در باد.

---

1. Walker Evans  
2. John Szarkowski